

شیخ صفی الدین اردبیلی
و
مجموعه‌ی کبیر (قارا مجموعه)

(برگزیده‌ی مقالات، مصاحبه‌ها، نقدها و اشعار)

نقد، گردآوری و تعلیقات:

سید احسان شکر خدایی / سردار محمدزاده صدیق

سرشناسه	: صفی‌الدین اردبیلی، اسحاق بن جبرئیل، ۶۵۰ - ۷۳۵ ق.
عنوان قراردادی	: قارا مجموعه. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مجموعه‌ی کبیر (قارا مجموعه): (برگزیده‌ی مقالات، مصاحبه‌ها، نقدها و اشعار) / مقدمه، گردآوری و تعلیقات سیداحسان شکرخدايي، ستار محمدزاده‌صدیق.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات تمثال، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۸۲ ص.: مصور (بخشی رنگی).
بک	: 978-600-96801-2-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: صفی‌الدین اردبیلی، اسحاق بن جبرئیل، ۶۵۰ - ۷۳۵ ق.
موضوع	: تصف -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Sufism -- Addresses, essays, lectures
موضوع	: سؤالات -- پاسخ‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	: Sufism-- Questions and answers
موضوع	: آداب طریقت -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Customs of the order -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: شکرخدايي، سیداحسان، ۱۲۰۷
شناسه افزوده	: Şukr Hudayi, İhsan
شناسه افزوده	: محمدزاده صدیق، ستار، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره	: BP۲۷۹/۴ ص/۷۱۲۵ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۹۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۸۲۷۰۹



نشر تمثال

شیخ صفی الدین و مجموعه ی کبیر (قارا مجموعه)

(برگزیده ی مقالات، مصاحبه ها، نقد ها و اشعار)

مقدمه، گردآوری و تعلیقات: سید احسان شکر خدایی / استار محمدزاده صدیق

شماره انتشار: ۳

چاپ اول: ۱۳۹۶

طرح جلد: مهدی میمندی

مارگان: ۵۰۰ نسخه

هائ: ۷۰۰۰۰ تومان

شاب: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۰۰۱-۲

انتشارات توزیع:

تهران، خیابان آزادی، جمالزاده جنوبی، شمار: ۱۶۴، طبقه ۲، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۳۲۹۵۵-۹۱۲۳

teminal-nashr@gmail.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکشی و آرنوئسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (بجز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندسازی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع است. از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه: گردآورانندگان
۱۵	سراغار
۲۲	تعریف نقد
۲۴	منتقد کیست
۲۶	زندگی و حیات علمی دکتر ح. م. صدیق
۳۴	معرفی کتاب حاضر
۳۴	فصل اول: پیشگفتارها
۴۵	فصل دوم: مقالات و مباحث
۵۵	فصل سوم: چالش‌ها
۶۴	فصل چهارم: مصاحبه‌ها
۶۵	فصل پنجم: همایش‌ها
۶۶	فصل ششم: گزارش مراسم
۶۶	فصل هفتم: اشعار
۶۷	فصل هشتم: وثیقه‌ها

۶۷.....	فصل نہم: منابع
۶۷.....	فصل دہم: پیوستہا
۶۷.....	سخن پایانی
۶۹.....	۱. پیش گفتارہا
۷۰.....	دکتر ح. م. صدیق
۷۰.....	۱- قارا مجموعہ
۱۱۲.....	۲- البیروق، مکمل قارا مجموعہ پژوهی
۱۱۷.....	۳- قارا مجموعہ (۱ و ۲)
۱۲۱.....	۴- شیخ صفی الدین اردبیلی نین تذکرہ سی
۱۲۴.....	محمد صادق نائبی
۱۲۴.....	۱- قارا مجموعہ از منظر وائش
۱۲۸.....	۲- رسالہی کؤنول
۱۳۲.....	۳. قارا مجموعہ (۲)
۱۵۷.....	دکتر احمد تاشقین
۱۵۷.....	قارا مجموعہ نین بویروق بؤلومو
۱۶۴.....	اسلام غریلی
۱۶۴.....	شیخ صفی الدین اردبیلی
۱۷۴.....	داود بھلولی
۱۷۴.....	۱- قارا مجموعہ (۱ و ۲)

۲. بخش ترکی ۳۲۳

صفیه، دؤرد پارچا امانته گئدن کتابخانا ۳۲۳

شیخ صفی الدین قارا مجموعه اثری ۳۳۶

قارا مجموعه: آذربایجان ادبیاتین ایتگین آیده سی ۳۴۶

اردیللی قطب الاقطاب، اعرف العارفين و الواصلين شیخ صفی الدین اسحاق

باشایشینا بیر باخیش ۳۶۴

۱. پالاش ها ۳۷۵

دکتر ح. م. صایق ۳۷۶

۱- پیرامون شاه رحوم تربیت ۳۷۶

۲- قارا مجموعه ننگ، موانع ۳۸۷

۳- هفت سوال پیرامون فارامحاره ۳۹۰

محمد صادق نائبی ۳۹۴

۱- باری، چو غسل نمی دهی نیش مزنی! ۳۹۴

۲- میثاق یا میزراق؟! ۴۰۱

محمد اردلانی ۴۰۸

وارونه گوئی ۴۰۸

ناصر ایرجی ۴۱۴

ما ذوق می کنیم ۴۱۴

رحمان اکبرپور (روشن خیای) ۴۲۰

- باید ذوق کرد و سپاسگزار بود ۴۲۰
- شاپور ضیاء آبادی ۴۲۸
- این نقد است یا کینه‌توزی عامدانه؟ ۴۲۸
۴. مصاحبه‌ها ۴۳۳
- گفته‌ها و ناگفته‌ها ۴۳۴
- قارا مجده شیخ صفی الدین اردبیلی مشابیه‌سازی شد ۴۶۷
- کشف قارا مجموعه، ضربه‌ی مرگبار بر نظریه‌ی کسروی ۴۷۲
- «قارا مجموعه بی‌ک‌پراکنده شد ۴۸۳
- قارا مجموعه کتابی یافتند ۴۸۷
۵. همایش‌ها ۴۹۷
- ۱- رونمایی قارا مجموعه‌ی ۲۰۱ ۴۹۸
- معرفی یکی دیگر از قسمت‌های کتاب قارا مجموعه ۴۹۸
- رساله‌ی «عقاید اولیاء سبعه» ۵۰۶
- حرمت و خدمت از دیدگاه شیخ صفی الدین اردبیلی ۵۱۶
- شیخ صفی الدین و تشیع ۵۳۰
- ۲- معرفی قارا مجموعه و بررسی تعالیم شیخ صفی ۵۴۰
۶. گزارش مراسم ۵۶۹
۷. اشعار ۵۸۱
- حسین دوزگون ۵۸۲
- قارا مجموعه ۵۸۲

۵۸۳.....	صداقت کانی
۵۸۴.....	بابام یازان قارا مجموعه
۵۸۶.....	محمد حسین علمی تبریزی
۵۸۶.....	شیخ صفی دوباره دیرلیب گلیب
۵۹۰.....	ناظر شرفخانه‌ای
۵۹۰.....	کۆزل دنیا
۵۹۴.....	جعفر اسماعیل زاده خرقانی (اثلجان)
۵۹۴.....	سردار
۵۹۵.....	۸. وثیقه‌ها
۶۲۴.....	۹. منابع
۶۲۷.....	۱۰. پیوست‌ها
۶۲۸.....	۱. گزیده‌ای از قارا مجموعه
۶۲۸.....	طالین آلتی صیفتی
۶۲۹.....	ایمانسیر اولمک
۶۲۹.....	اوستاد نفسی
۶۳۰.....	یئددی صفت
۶۳۱.....	اون ایکی شرط
۶۳۳.....	کۆنول کعبه‌سی
۶۳۵.....	معدّبلر
۶۳۶.....	کۆنول بحری

ابراهیمین کؤکی ۶۳۷

دؤرد حکایت ۶۳۹

۲. فهرست‌ها ۶۴۴

۱- ۲. آیات و عبارات عربی ۶۴۴

۲- ۲. اشعار فارسی ۶۴۵

۳- ۲. اشعار ترکی ۶۴۷

۴- ۲. اشعار گاکلی ۶۵۰

۵- ۲. نام‌های اشخاص ۶۵۱

۶- ۲. نام‌های مکار ۶۶۳

۷- ۲. نام‌های کتاب‌ها ۶۶۷

۳. اسناد تصویری ۶۷۵

مقدمه‌ی گردآورندگان

سرآغاز

در سال ۱۳۸۱ با انتشار کتاب قارا مجموعه توسط دکتر حسین محمدزاده صدیق، توجه محافل علمی و فرهنگی به این کشف و جریان ادبی جلب شد. این واقعه به معنای حقیقی کلمه یک کشف است، کشف یک ارتباط پنهان میان نسخ خطی. نسخ خطی در کتابخانه‌ها موجود هست اما به لحاظ عام تقید به قواعد کتابداری و کتابشناسی در قرون پیشین، پی بردن به ماهیت واقعی برخی آثار از نظر شناخت مؤلف یا مؤلفین و نگارش، نحوه‌ی تدوین و ارائه‌ی اطلاعات منبذی که خواننده را برای فهم عمیق‌تر ارتباط اجتماعی، قواعد و علل تألیف و تکثیر کتاب کمک نکرده است. صعب و دشوار می‌نماید دکتر صدیق تشخیص داده بود که تعدادی نسخه‌ی خطی به زبان ترکی آذربایجانی در وصف حالات، آراء و اندیشه‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی هست که نام‌های متفاوتی دارند اما دارای یک پیوند پنهانی معنادار نیز هستند. اما این پیوند معنادار را آگاهی از کتابی با نام قارا مجموعه به ذهن ایشان متبادر کرده بود. ایشان بر اساس شواهد و ادله‌ای که در کتاب حاضر، پیش چشم آورده‌ایم، به این نتیجه می‌رسند که قارا مجموعه نام یک کتاب نیست بلکه مجموعه‌ای از کتاب‌هاست که توسط مریدان طریقت شیخ صفی‌الدین درباره‌ی مرشدشان نگاشته و جمع‌آوری شده است و همگی ذیل نام قارا مجموعه (یا

مجموعه‌ی کبیر) قرار می‌گیرند. این رسالات ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت جمع‌آوری و نوشته شده باشند ولی حتی با وجود نام‌هایی همچون: کونول رساله‌سی، یول اهلینه قیلاووز، کلمات و تحقیقات، باز همگی قسمت‌هایی از یک مجموعه‌ی کبیر تلقی می‌شده‌اند. شاید این نام برای ایجاد وحدت و انسجام بخشی به تمامی کتاب‌هایی بوده باشد که درباره‌ی روش طریقتی و منش عملی شیخ صفی‌الدین نوشته می‌شده است. پرهیز از تشّت و میل به حرکت از کثرت به وحدت در عرفان می‌تواند انگیزه‌ی این کار بوده باشد. دکتر صدیق خود به تفصیل توضیح داده‌اند که نام قارا مجموعه را دل به کجا دیده‌اند و چه روند طولانی‌یی را برای کشف این رابطه‌ی پنهان میان نسخ خطی می‌کرده‌اند.^۱

هر کشف تازه‌ای با خود چالش‌هایی را به همراه می‌آورد. نقد و نظرها پس از یک کشف می‌تواند به روشن شدن زوایای تاریک کمک کند. شاید اگر دکتر صدیق صرفاً به تصحیح رسالات و نسخ خطی مربوط به شیخ صفی‌الدین بسنده کرده بود، حرف و حدیث چندانی در میان نمی‌آمد و مانند تصحیح اثر دیگری، علاقه‌مندان به مطالعه‌ی آن مشغول می‌شدند. اما از آنجا که استاد قضیه‌ی کشف قارا مجموعه - یعنی همان مجموعه‌ی کبیری که شاهان صفوی از جد خود شیخ صفی‌الدین را در کتابخانه‌ی دربار خود نگاه می‌داشته‌اند - را مطرح کردند، موضوع شکل دیگری به خود گرفت. استاد بر این عقیده بودند که بخش‌هایی از آن مجموعه‌ی کبیر را که تپاول روزگار از دسترس خارج کرده بود را یافته‌اند. موافقت‌های اهل قلم بیشتر از مخالفت‌ها بود اما کمتر کسانی پیدا شدند که این موافقت‌ها و مخالفت‌ها را با تحقیقات و پژوهش‌های خود در تذکره‌ها و کتاب‌ها همراه کنند و به آن صبغه‌ی علمی بدهند. عالمانه‌ترین و کامل‌ترین سخنان

درباره‌ی قارا مجموعه و رسالات مربوط به شیخ صفی الدین را تا زمان حال خود دکتر صدیق نوشته‌اند و در میان موافقان و مخالفان کسی بدین رتبه نرسیده است، حتی با گرده‌برداری از سخنان خود ایشان در راستای موافقت یا مخالفت بهره برده‌اند. نمونه‌ی برجسته‌ی چنین واقعه‌ای در مقاله‌ای روی داد که آقای میرهدایت حصاری در نوید آذربایجان جهت تخریب قارا مجموعه و تخفیف واقعه‌ی کشف آن، منتشر کرد. در واقع نویسنده‌ی مقاله با بهره‌گیری از اطلاعات مندرج در پژوهش‌های دکتر صدیق به مخالفت با خود ایشان برخاسته بود و با تکرار و جابجایی الفاظ و محتویات سخنان دکتر صدیق در آن مقاله، و بهره‌گیری از فنرهای مایه‌ی وارونه‌نگاری با لحنی آمیخته با تمسخر و ریشخند ندیدیم.

پس از آن بود که ابتدا خود دکتر صدیق، جوابیه‌ای در مجله‌ی مذکور منتشر کردند و به شائبه‌ها و پرسش‌ها پاسخ علمی دادند، سپس دیگر پژوهشگران و قلم به دستان در تأیید جایگاه قارا مجموعه، جوابیه‌های خود را منتشر کردند. گرچه دکتر صدیق چندین مقاله در مجلات و روزنامه‌های مختلف منتشر کردند و با تکیه بر علمی و ارجاع به منابع سعی کردند این بحث‌ها را در فضایی علمی و به دور از حساسات ادامه دهند اما از آنجایی که نقد واقعی نیازمند بضاعت علمی، به کارگیری وقت و صرفه‌تربس و توان در میان کتاب‌ها و کتابخانه‌هاست، چند نفر مخالف ترجیح دادند که بحث در فضایی احساسی دنبال شود تا یک فضای علمی، تا بتوانند همچنان به بحث‌های حاشیه‌ای و ایرادگیری‌ها و عیب‌جویی‌های غیرعلمی دامن بزنند.

در تقسیم‌بندی مغالطه‌های مرتبط با اصول تفکر غیرانتقادی، حسن قاضی مرادی فصلی با عنوان مطلق‌اندیشی باز می‌کند.^۱ در این نوع از مغالطه، مغالطه‌گر در مواجهه با یک

^۱ قاضی مرادی، حسن، درآمدی بر تفکر انتقادی، تهران، نشر اختران، ۱۳۹۳، ص ۳۳۷.

نظر یا نظریه از عبارت «کی می‌گه؟» یا «چه کسی گفته؟» بهره می‌برد و تصمیم‌گیری برای بررسی صحت و سقم قضیه را به انحراف می‌کشاند. مغالطه‌گر با بیان این که «هیچ کس این را نگفته» شرایطی را فراهم می‌کند که به استدلال مخاطب خود توجه نکند.^۱ «این مغالطه به اصل تبلی فکری متکی است. فرد با گفتن «کی می‌گه؟» خود را از مواجهه‌ی انتقادی با نظر و قضاوتی یا اندیشیدن به نظر و داوری بدیل، خلاص می‌کند. و اما از ویژگی‌های مرتبط با اندیشمند غیرانتقادی «ذهن بسته» است. چنین کسی در مغالطه‌ی خود فقط دو گزینه را می‌بیند: این یا آن. «این، سیاه یا سفید اندیشی است. این دریافت دو انگارانه، بستی بر این دریافت است که دوست را صرفاً فردی موافق با خود بینداریم و دشمن را فردی که با ما مخالف است.» در نوع دیگری از مغالطه، فرد آنچه را تا کنون پیش از این از هیچ‌کس نشنیده را غیر قابل توضیح قلمداد می‌کند و در مواجهه با نظریات جدید، موضع‌گیر می‌گردد و به مخالفت مشغول می‌شود.

^۱ بسیاری - و نه برخی - از کسانی که به عنوان محافظان صفحه ۱ در ویکی‌پدیای فارسی فعالیت می‌کنند در صفحاتی که به امور زبان‌ها و ادبیات غیر فارسی (مانند ترکی، عربی، کردی و ...) مربوط می‌شود برای توجه خود برترینی‌های نژادی، تحقیرها، اهانت‌ها، افتراها و سخنان جانب‌گرایانه‌ی خود در قبال فرهنگ، زبان و ادبیات بسیار «هیچ کس این را نگفته» یا «کی می‌گه؟» بهره می‌برند. زمانی که به این افراد، منع چاپی ارائه دهید از عبارت دیگری استفاده می‌کنند که «منع معنی نیست» و اما منع معنی برای این افراد کسانی هستند که خط خاص فکری خودشان را تأیید کنند. اگر منبعی محتوای مطالب موجود در صفحه را زیر سؤال ببرد به راحتی با همین عبارت، کنار گذاشته می‌شود. روش‌های میانجی‌گری و بررسی عملکرد محافظان صفحات که در اسامنامه‌ی ویکی‌پدیا (مثلاً اصل بی‌طرفی) تعریف شده است نیز نوعی نمایش عدالت است برای خسته کردن کاربران معترض در پیچ و خم صفحات و لینک‌های متعدد و صرف وقت زیاد و انرژی فراوان (مثل پیچ و خم راهروهای دادگاه). اصولاً محافظان صفحات ویکی‌پدیا از روشی بسیار ساده برای از میدان به در کردن معترضان صفحات خود بهره می‌برند. زمانی که در صفحات بحث، کار بالا بگیرد و نتوانند استدلال‌های خود را به کرسی بنشانند، صفحه‌ی مربوطه را تا یک زمان معینی قفل می‌کنند تا امکان ویرایش در آن نباشد. وقتی صفحه چند ماه قفل شد، معترضان آرام آرام دل‌سرد می‌شوند. از فضای بحث بیرون می‌آیند. پس از سرکشی‌های مداوم به صفحه‌ی ویکی‌پدیا، صفحه را کماکان قفل شده می‌یابند و کم‌کم دست از پیگیری بر می‌دارند. در واقع دکمه‌ی ویرایش برای کسانی باز است که در همان خط فکری ادواه کنندگان ویکی‌پدیا قلم می‌زنند.

باید گفت تا زمان حال، هیچ یک از مخالفت‌ها و انکارها در باب صحت کشف قارا مجموعه جنبه‌ی استدلالی و علمی نداشته، از روی احساسات، کینه‌ی قومیتی یا حسادت‌های درون گروهی بوده است. صرف نظر از اساتید دانشگاهی که فقط با زبان فارسی آشنایی دارند، اساتید دانشگاهی که خود ترک زبان هستند - با توجه به فضایی که حول ادبیات ترکی وجود دارد، برای پرهیز از انگ‌ها، حاشیه‌ها و دردسرها و خطراتی که برای جایگاه شغلی‌شان پیش‌بینی می‌شود - تا کنون با پرهیز و نادیده گرفتن، سعی کرده‌اند در این مقوله وارد نشوند و مبحث این کشف مهم را به فضای رسمی دانشگاهی داخل نکنند. از سوی دیگر، اساتیدی نیز که از مخالفان سرسخت زبان ترکی هستند، راه‌های طرح مسئله را بسته، تیرجورها را به نفع خود تسخیر کرده‌اند. اینان تلاش کرده‌اند با نادیده گرفتن قارا مجموعه، آن را بی‌اهمیت جلوه دهند.

مخالفان پدیده‌ی قارا مجموعه سری را داشته‌اند با بیان عباراتی چون «این کتاب ساز برای آذربایجان است»، «این اثر، جعلی است»، «این اثر را تدوین کننده‌ی اثر، ساخته است» از طریق تبدیل فضای نقد ادبی به فضای احساس، بتوانند با سیاه‌نمایی و تکثیر مانع از اقبال عمومی به قارا مجموعه شوند.

یکی دیگر از دلایل پنهان حاشیه‌سازی برخی مخالفان با کشف قارا مجموعه، ابطال ادعای احمد کسروی درباره‌ی شیخ صفی الدین بود. کسروی در کتاب شیخ صفی و تبارش مانند تئوری دیگرش زبان آذری - پهلوی، تئوری‌یی داد مبنی بر این که شیخ صفی: ترک نبود، شیعه نبود، سید نبود. کشف رسالات مختلف که از اجزاء قارا مجموعه بودند، توسط دکتر صدیق، بسیاری از این شبهات را پاسخ گفت. اما پیچیدگی کار کسروی در این بود که همین ترک نبودن شیخ صفی الدین را به تئوری دیگرش که زبان موهوم آذری - پهلوی بود پیوند می‌داد. او با زیرکی تمام برای این که ادله‌های تو در تو ایجاد کند که

هر یک پشت دیگری بایستد و از ادله‌ی دیگر حمایت کند، در هر کتاب خود طرحی می‌افکند و فرضیه‌ای ارائه می‌داد. کسروی کسی بود که اولین بار مدعی شد شیخ صفی‌الدین به همان زبان آذری مورد نظر وی سخن می‌گفته و حتی در این زبان، شعر هم سروده است. بعدها که دکتر صدیق به رسالات قارا مجموعه دست یافت توانست اثبات کند که شیخ به سه زبان ترکی، گیلکی و فارسی تعدادی شعر داشته است و آنچه کسروی ادعا می‌کند صرفاً شعرهای گیلکی است که شیخ در پیروی از مرشدش شیخ زاهد گیلانی بدان زبان سروده است. در قارا مجموعه که استاد در سال ۱۳۸۱ منتشر کرد، شرح لغات و معنی تمامی اشعار گیلکی آمده است. کسروی سعی داشت اشعار گیلکی را به جای آذری موهوم خود جای بد. در زمانه‌ی حاضر نیز کسانی که تحت تأثیر فضای فکری فرضیه‌های احمد کسروی را طایفه‌ی معلمان و اساتید پرورش یافته‌ی همان فضا، بالیده‌اند و تحصیل کرده‌اند با انتشار قارا مجدداً به مخالفت و سعی می‌کنند با توسل به ترفندهای مختلف از مطرح شدن و توجه به این اثر جلوگیری کنند. معمولاً روش‌هایی که این افراد در لباس نقد بدان توسل می‌جویند، روش نهم، تمقیر و بدنام کردن است. دکتر صدیق در فرازی از مصاحبه‌های خود می‌گویند:

«من خود، گرچه زخم‌های کاری سالیان از آنان بر دارم، اما همه جا سعی کرده‌ام در مقابل بی‌نزاکتی‌های آنان، جلوی غلیان احساسات خود را سد کنم و حرف و سخن را به استدلالات و استنتاجات علمی واسپارم. در این روی، سعی کرده‌ام کتاب قارا مجموعه را منتشر سازم تا جوابی دندان شکن به آنان داده باشم.»

تا پیش از چاپ قارا مجموعه تنها کتابی که درباره‌ی مناقب شیخ صفی‌الدین وجود داشت، صفوة الصفا بود به زبان فارسی. اما از سال ۱۳۸۱ به بعد، رسالات ترکی قارا مجموعه در اختیار اهل علم و عرفان قرار گرفت و دستمایه‌ی تحقیقات دیگری از منظر

واژه‌شناسی و زبان‌شناسی واقع شد. پس از این فتح باب، آقایان محمدصادق نائی و داود بهلولی توانستند با کمک‌های دکتر صدیق قسمت‌های دیگری از رسالات مربوط به قارا مجموعه^۱ را کشف و تصحیح کنند. این دو نفر پس از دکتر صدیق، بیشترین تلاش را در زمینه‌ی قارا مجموعه پژوهی متحمل شدند.

مقصود ما از جمع‌آوری این کتاب، کمک به حفظ فضای نقد ادبی در راستای پژوهش و تحقیق بیشتر در کمک به حل معمای قارا مجموعه است. تدوین چنین کتاب‌هایی می‌تواند راه را بر مغرضان و موج‌سوارانی که بر هیجانات احساسی‌بی‌که مطبوعات بدان دامن می‌زنند، ببندد. همان‌طور که دکتر صدیق خود نیز بارها در مصاحبه‌ها و مقالات خود اشاره کرده‌اند، ما را ابتدای راه هستیم و هنوز برای تدوین قارا مجموعه‌ی اصلی راه درازی در پیش داریم و دکتر صدیق صرفاً بخش‌هایی از آن مجموعه‌ی کبیر را که شاهان صفوی بدان تفأل می‌زده‌اند، بازسازی کرده است. صرف نظر از نادیده‌مانده‌های مجموعه - که چه بوده و کجاست و کی در تمامیتش بازسازی می‌شود- ما اکنون رسالاتی به ترکی در دست داریم که حاوی مواعظ، انشازها و ارشادات شیخ صوفی و حکایات مربوط به اوست و این را نمی‌توان به بهانه‌ی کسب‌سازی و ... طرد و معذرت‌گویی این فرزند خلف، متولد شده است، به رشد خود ادامه می‌دهد و نمی‌توان او را نادیده گرفت. روزی باید با این فرزند رو در رو شد. هیچ خانواده‌ای نتوانست، ریشه‌ی خرد را با فرزندش قطع کند و آن را نادیده بیانگارد حتی اگر اصرار بر عدم ارتباط کند باز تمامی اسناد و مدارک با اشارت خواهند گفت: «این فرزند آن خانواده است و وجود دارد. وجودش غیرقابل انکار است.»

^۱ آقایان: محمدصادق نائی رسالات: قارا مجموعه‌ی ۲، کؤنول رساله‌سی، یول اهلینه قیلاووز و داود بهلولی

کتاب صفوة الصفای ترکی موسوم به تذکره‌ی شیخ صفی الدین را تصحیح و منتشر کردند.